

شناسایی و اعتبارسنجی عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

■ نسرین ملک شیرآبادی^۱

■ رویا دارابی^۲

■ قدرت‌الله طالب‌نیا^۳

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان و اعتبارسنجی مدل ساختاری مبتنی بر روش‌شناسی آمیخته با رویکرد توصیفی - اکتشافی صورت گرفته است. جامعه آماری برای مرحله کیفی، شامل خبرگان دانشگاهی و حسابرسان خبره سازمان حسابرسی کشور و برای مرحله کمی، کلیه حسابرسان سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی خصوصی در شهر تهران بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مرحله اول شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و در مرحله دوم پرسشنامه می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون و داده‌های کمی به روش تحلیل عامل تأییدی و معادلات ساختاری است. نتایج بخش کیفی نشان داد که عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب شامل سه عامل اصلی رفتاری، ساختاری و محیطی می‌باشند که هر کدام دارای زیر عواملی نیز بوده‌اند. در بین شاخص‌های سازه «عوامل رفتاری» شاخص BF^۴ (تجربه و مهارت‌های حرفه‌ای) با بار عاملی ۰/۵۶۴ بیشترین و شاخص BF^۱ (هوش هیجانی) با بار عاملی ۰/۴۶۲ کمترین حمایت، در بین شاخص‌های سازه «عوامل ساختاری» شاخص SF^۵ (اندازه واحد مورد رسیدگی) با بار عاملی ۰/۶۴۹ بیشترین و شاخص SF^۶ (ساختار سازمانی) با بار عاملی ۰/۵۱۹ کمترین حمایت و در بین شاخص‌های سازه «عوامل زمینه‌ای» شاخص EF^۵ (وجود تشکلهای حرفه‌ای ناظر و پاسخ‌خواه) با بار عاملی ۰/۶۵۸ بیشترین و شاخص EF^۷ (هنجارهای اجتماعی) با بار عاملی ۰/۴۹۲ کمترین حمایت را از مدل اندازه‌گیری مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ریسک تقلب، عوامل رفتاری، عوامل ساختاری، عوامل محیطی، معادلات ساختاری.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.
۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول، ایمیل: royadarabi110@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حسابداری، علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

تقلب می‌تواند منجر به وارد آمدن خسارت‌هایی به سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و حتی حسابرسان گردد. گزارش‌های ارائه شده از پرونده اختلاس‌های مالی در سالیان اخیر در کشور حاکی از آن است که یکی از اصلی‌ترین دلایل ایجاد و شکل‌گیری این حجم عظیم از بی‌انضباطی‌های مالی که منتج به خروج میلیون‌ها دلار سرمایه‌های بیت‌المال از کشور گردیده است، ناشی از عدم توجه به ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسانی است که پرونده‌های مذکور را به‌درستی بررسی ننموده‌اند. یکی از چالش‌های اساسی حسابرسان در نظام حسابرسی ایران، مربوط به حسابرسی صورتهای مالی مجموعه مورد رسیدگی و قوانین و مقررات حاکم بر عملیات مالی صاحبکار است به گونه‌ای که از انطباق رویه‌ها و مقررات بکار گرفته شده با آنچه که در صورتهای مالی ارائه شده است اطمینان حاصل شود و صورتهای مالی عاری از هرگونه تحریف و تقلب باشند. عدم توجه به این مقوله موجب تحمل ضرر و زیان‌های عمده به استفاده‌کنندگان از گزارشات حسابرسان شده و تبعات ناخوشایندی برای جامعه و حرفه حسابرسی خواهد داشت. این مهم در برنامه ریزی‌های حسابرسی با شناخت از سیستم کنترل‌های داخلی صاحبکار و برآورد ریسک‌های موجود در صورتهای مالی وی شروع می‌شود و در کلیه مراحل حسابرسی ادامه خواهد داشت. در نتیجه به نظر ضروری است که مقوله ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان بیش از گذشته مورد توجه مدیران و صاحب‌نظران مالی قرار گیرد. به‌طور کلی ارزیابی ریسک تقلب اقدامی است که توسط حسابرس صورت می‌گیرد، بنابراین ضروری است تا عوامل تأثیرگذار بر فاعل این عمل نیز مورد توجه قرار گیرد. لذا محقق بر آن شد تا این عوامل را شناسایی کرده و اعتبارسنجی هر یک از این عوامل را نیز انجام دهد.

مروری بر پیشینه‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که در گذشته مطالعات بسیار محدودی در رابطه با ارزیابی ریسک تقلب و یا عوامل تأثیرگذار بر آن انجام شده است. به‌طور کلی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها به شکل خاص به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته نشده است. به‌عبارت دیگر، هر یک از این تحقیقات از یک جهت به بررسی عوامل تأثیرگذار بر قضاوت حسابرسان پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، تعدادی از پیشینه‌ها تنها به جنبه فردی و رفتاری حسابرسان توجه داشته‌اند و نقش عواملی چون هوش هیجانی، احساسات و روحیه، اثربخشی فردی، هوش معنوی، قدرت تحلیل و اخلاق حرفه‌ای حسابرس را در قضاوت و عملکرد حسابرسان بررسی نموده‌اند (هوگیانتو و سباستین^۱، ۲۰۱۹؛ یانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۸؛ پاساریبو^۳ و همکاران، ۲۰۱۸؛ آمیر^۴ و همکاران، ۲۰۱۸؛ باتچارجی و مورنو^۵، ۲۰۱۳؛ صفری و موسوی کاشی، ۱۳۹۷؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۷؛ مشایخی و اسکندری، ۱۳۹۶؛ و صالحی،

1. Hogianto & Sebastian

2. Yang

3. Sanggar Pasaribu

4. Aamir

5. Bhattacharjee & Moreno

۱۳۹۵). در این تحقیقات تأکید پژوهشگران بر روی مقوله ارزیابی ریسک تقلب نبوده است، بلکه بیشتر بر سایر متغیرهای پژوهش مانند، اثربخشی حسابرسان، استعاره‌های ذهنی و تردیدهای حرفه‌ای حسابرسان تأکید داشته‌اند. بنابراین این پژوهش از جنبه موضوعی در قیاس با سایر مطالعات دارای نوآوری می‌باشد.

گروه دوم پژوهشگران بر جنبه ساختاری یا سازمانی آن هم به صورت محدود تأکید داشته‌اند و در مطالعات خود اثر برخی عوامل مانند، اندازه مؤسسه حسابرسی، فشار حق‌الزحمه و استانداردهای عمومی و اصول حسابداری را بر نوع قضاوت و عملکرد حسابرسان بررسی نموده‌اند (هوگیانتو و سیاستین، ۲۰۱۹؛ محمدرضایی و یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۶). همچنین گروه سوم نیز بر جنبه محیطی تأکید داشته و برخی عوامل محیطی مانند، استعاره سازی ذهنی احصا شده از جامعه، تفاوت‌های فرهنگی حسابرسان و فرهنگ ملی را بر نحوه ارزیابی و قضاوت حسابرس و عملکرد آن مؤثر دانسته‌اند (شفعتی و همکاران، ۱۳۹۹؛ بیک و هوگیمیسترا، ۲۰۱۸؛ بیک و هوگیمیسترا، ۲۰۱۷). در این پژوهش تلاش خواهد شد که عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان بشکلی جامع و از سه جنبه رفتاری، ساختاری و محیطی شناسایی و تبیین گردند. از آنجایی که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین این سه عامل به صورت ترکیبی مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند بنابراین این پژوهش در قیاس با سایر مطالعات به نظر از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار خواهد بود. همچنین در گام کمی این پژوهش نیز تلاش خواهد شد تا به اعتبارسنجی الگوی هریک از عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان با روش تحلیل عامل تأییدی پرداخته شود و اعتبار عوامل احصاء شده در بخش اکتشافی، در جامعه مورد مطالعه ارزیابی شود. همچنین مبتنی بر روش مدلسازی معادلات ساختاری تلاش خواهد شد تا به بررسی اثر هریک از عوامل شناسایی شده بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته شود. از این رو از جنبه روش‌شناسی نیز پژوهش پیش رو در قیاس با سایر مطالعات انجام شده دارای نوآوری است. بطور کلی پرداختن به مقوله ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان از جنبه کاربردی نیز دستاوردهایی برای فرد حسابرس و همچنین مؤسسات حسابرسی کننده و حسابرسی شونده خواهد داشت. هدف کلی پژوهش ارائه الگویی برای ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان بوده و اهداف جزئی پژوهش شامل:

۱. شناسایی عوامل رفتاری مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان.
۲. شناسایی عوامل ساختاری مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان.
۳. شناسایی عوامل محیطی مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان.
۴. اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان در جامعه مورد مطالعه
۵. تعیین شدت عوامل شناسایی شده در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان در جامعه مورد مطالعه است.

همچنین سوال اصلی پژوهش این است که: الگوی مناسب برای ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان چگونه است؟ سوالات فرعی نیز در برگیرنده اهداف جزئی پژوهش می‌باشد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه‌های تحقیقاتی

۲-۱- مبانی نظری

حسابرسی فرآیندی است بسامان برای جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی برای تعیین میزان انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین‌شده و گزارش نتایج به اشخاص ذی‌نفع («بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی»).

نقش حسابرس مستقل عبارت است از اعتباردهی به صورت‌ها و گزارشات مالی واحدهای اقتصادی براساس رسیدگی به عمل آمده و ایجاد اطمینان منطقی در خصوص استفاده از اطلاعات مالی حسابرسی شده که در صورت‌ها مالی درج گردیده است.

تقلب را دافیلد و گرابوسکی به مفهوم به‌دست آوردن چیز باارزش یا اجتناب از یک تعهد به‌وسیله فریب و نیرنگ تعریف نموده‌اند. صفری و موسوی کاشی (۱۳۹۷) نیز اذهان کرده‌اند که تقلب دربرگیرنده روش‌های نادرست، عجیب، فریبکارانه و ماهرانه برای فریب دیگران است و یک قاعده قطعی برای تعریف آن وجود ندارد. در این رابطه بیک و هوگیمسترا (۲۰۱۷) معتقدند که شیوه‌های مختلفی از تقلب در حوزه مالی در سطح سازمان‌ها مشاهده می‌شود که از جمله آن؛ صورت‌های مالی متقلبانه، تقلب کارکنان، فروش‌شده، مشتری، تقلب‌های سرمایه‌گذاری، تقلب‌های ورشکستگی و ... است.

قومیت عبارت است از گروهی که از نظریست شناسی، حداقل چند نسل پایندگی و ماندگاری داشته باشند، ارزشهای فرهنگی مشترک داشته باشند، فضای ویژه ارتباطی و کنش و واکنش مخصوص به خود را داشته باشند، به عنوان واقعیتی جداگانه از دیگر گروهها، خود را بشناسند و دیگران نیز آنها را به این عنوان بپذیرند (نوربخش ۱۳۷۸).

فرهنگ را تیلور در سال ۱۹۷۱ اینگونه تعریف کرده است: فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند (همایون، ۱۳۵۸).

هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های استدلالی و هیجانی متمایز است و نسبت به هوش اجتماعی توجه بیشتر به مسائل اساسی هیجانی و فرونشاندن مشکلات شخصی و اجتماعی افراد دارد. افراد دارای هوش هیجانی بالا در داشتن رضایت از زندگی، بهره‌مندی از محیط خانوادگی و شریک شدن در احساسات اطرافیان نسبت به دیگران متفاوت بوده و معمولاً افرادی منظم، خون‌گرم، با انگیزه و خوش بینند (مایر و همکاران، ۲۰۰۲).

هنجار یک قاعده رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معینی چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایده این استاندارد رفتاری آنست که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی

و شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند. هنجارها از این بابت که بر ارزشها و گرایشهای اجتماعی اثر می‌گذارند تجویز کننده و در عین حال نهی کننده رفتارها هستند.

عوامل رفتاری، بر مبنای مدل سه‌شاخکی مرحوم میرزائی اهرنجان (۱۳۷۶)، منظور از این شاخه انسان و روابط انسانی موجود در سازمان است که با هنجارهای رفتاری، ارتباطات (غیر رسمی) و الگوهای خاصی به هم پیوسته‌اند و محتوای اصلی سازمان را تشکیل می‌دهند و در واقع عوامل زنده سازمان محسوب می‌شوند. هوش هیجانی، میزان دینداری، میزان ریسک پذیری از جمله عوامل رفتاری می‌باشند.

عوامل ساختاری، منظور از شاخه ساختار، همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیر انسانی سازمان است که با نظم، قاعده و ترتیب خاصی بهم پیوسته و چارچوب، قالب، پوسته، بدنه و هیكل فیزیکی و مادی سازمان را تشکیل می‌دهند. بنابراین تمام منابع مادی، مالی و اطلاعاتی وقتی با ترکیب خاصی در بدنه کلی سازمان جاری می‌شوند جزء شاخه ساختاری سازمان محسوب می‌شوند. در واقع ساختار شامل عوامل غیر زنده سازمان است. میزان حق‌الزحمه، اندازه مؤسسه حسابرسی اصول اخلاقی و ارزش‌های حرفه‌ای برخی از این عوامل هستند.

عوامل زمینه‌ای یا محیطی تمام شرایط و عوامل محیطی و "برون سازمانی" است که بر سازمان (عوامل درون سازمانی) محاط است و سیستم‌های اصلی یا ابر سیستم‌های سازمان را تشکیل می‌دهند مانند تفاوت‌های فرهنگی، محدودیت زمانی و نوع صنعت.

از سوی دیگر، در رابطه با عوامل نقش‌آفرین در تمایل به تقلب، پروفیسور دونالد کریزی، اصطلاح مثلث تقلب را مطرح ساخت. وی بر این باور است که افراد تحت فشار خاصی (مثال وضعیت مالی نامناسب) انگیزه تقلب پیدا می‌کنند و دنبال فرصتی می‌باشند تا آن را به واقعیت برسانند و سپس با دلیل تراشی نزد خود، عمل متقلبانه خود را توجیه کنند (شفعتی و همکاران، ۱۳۹۹). در عین حال پژوهشگران تقلب حسابداری را به‌عنوان، اقدامات فریبکارانه عمده‌ی در فرایند تولید اطلاعات حسابداری شرکت به‌منظور کسب سود غیرقانونی یا غیرمنصفانه تعریف می‌نمایند (بیک و هوگیمسترا، ۲۰۱۸). پژوهش‌های هوگیانتو و سباستین (۲۰۱۹) نشان داده است که افراد با خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی مشخص احتمال رخ‌دادن تقلب را افزایش می‌دهند.

بیک و هوگیمسترا (۲۰۱۷) نیز تأکید دارد که کشف موارد تقلب برای حسابرسان در اغلب موارد کاری بسیار دشوار است که بیشتر به علت عدم مواجه شدن آنها با موارد تقلب در طول دوره حرفه‌ای آنها است. با این حال در سال‌های اخیر سیستم‌های قضایی و انجمن‌های مختلف حرفه‌ای، از حرفه خواسته‌اند تا در جهت کشف موارد تقلب فعالیت‌های خود را بهبود بخشند. این امر باعث شد تا برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ در آمریکا، حرفه حسابرسی با تدوین استاندارد SAS ۸۲ و با الزام حسابرسان به ارزیابی تقلب در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی، به این موضوع واکنش نشان دهد. در سال ۲۰۰۲، SAS ۹۹ منتشر شد که در آن راهنمایی‌های گسترده‌ای درباره مسئولیت کشف تقلب توسط حسابرسان ایراد شده بود. این استاندارد همچنین بر لزوم حفظ تردید حرفه‌ای

در طول فرایند حسابرسی با توجه به تجربه‌های گذشته در مورد واحد مورد رسیدگی و یا با در نظر گرفتن میزان صداقت و درستکاری مدیریت آن تأکید دارد (صفری و موسوی کاشی، ۱۳۹۷). در ایران نیز در سال ۱۳۸۴ استاندارد ۲۴۰ حسابرسی با عنوان مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه، در حسابرسی صورت‌های مالی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و منتشر گردید و طبق بند ۲ آن «حسابرس هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی و گزارشگری نتایج حاصل باید خطر وجود تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی را که از تقلب یا اشتباه ناشی می‌شود، در نظر گیرد.» (انصاری و کمالی کرمانی، ۱۳۹۱).

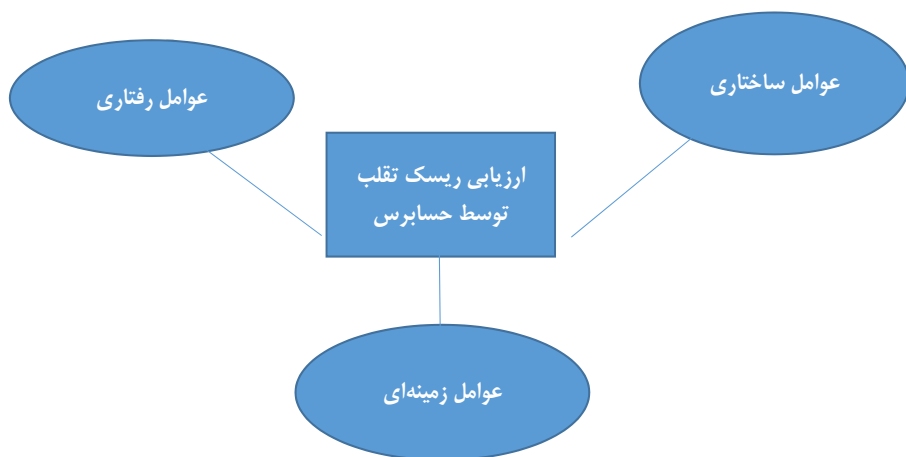
ارزیابی ریسک تقلب در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی توسط حسابرس صورت می‌گیرد که شامل، کسب شناخت از سیستم کنترل داخلی واحد مورد رسیدگی، طراحی و اجرای آزمون کنترل‌ها (رعایت روش‌ها)، برآورد خطر کنترل (CR)، برآورد خطر عدم کشف (DR) و طراحی و اجرای آزمون‌های محتوا می‌باشد (رحیمیان و طباطبایی پوده، ۱۳۹۲). برآورد ریسک وجود تقلب معمولاً باید در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی انجام گیرد، سپس برآورد حاصل شده در این مرحله باید به تمام کارکنان درگیر در فرایند حسابرسی منتقل گردد. در واقع، بحث در رابطه با ریسک تقلب میان اعضای تیم حسابرسی درگیر کار، نکته‌ای است که استاندارد بر اهمیت آن تأکید کرده و آن را الزامی می‌داند (شفعتی و همکاران، ۱۳۹۹). در این خصوص بند ۱۹ استاندارد ۲۴۰ ایران نیز چنین بیان می‌دارد که: «حسابرس در برنامه‌ریزی حسابرسی باید درباره آسیب‌پذیری واحد مورد رسیدگی از تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورت‌های مالی، با سایر اعضای گروه حسابرسی بحث کند» (مشایخی و اسکندری، ۱۳۹۶).

استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را ملزم به ارزیابی و برآورد ریسک حسابرسی بر اساس قضاوت حرفه‌ای می‌نماید. عوامل فرهنگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی محسوب می‌شوند. تلقی مزبور بر این استدلال استوار است که حسابداری به عنوان فعالیتی اجتماعی با منابع انسانی در تعامل است و انسان نقش بسیار مهمی در کارایی یا عدم کارایی سیستم کنترل‌های داخلی ایفا مینماید. اشتباهات انسانی، شامل خطاهای سهوی یا تبانی، سیستم کنترل‌های داخلی را بی‌اثر می‌سازد. بنابراین فرهنگ جاری کشور میتواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرا یا عدم اجرای کنترل‌های داخلی توسط مهمترین جزء این سیستم (یعنی انسان) داشته باشد. حسابرس در تعیین ریسک کنترل ناچار باید به موضوع فرهنگ توجه ویژه‌ای داشته باشد، تا بتواند این ریسک را دقیقتر بیان نماید. بنابراین، سؤال مطرح شده در این تحقیق، این است که: «آیا تفاوت‌های فرهنگی تأثیر با اهمیتی بر قضاوت حسابرس درباره کنترل‌های داخلی و تعیین ریسک کنترل دارد یا خیر؟»

همان گونه که قبلاً اشاره شد، ارزیابی ریسک تقلب، اقدامی است که توسط حسابرس بایستی صورت گیرد. بی‌شک در پیاده‌سازی این فرایند، عامل یا عواملی تأثیرگذارند که برخی از آنان معطوف بر حسابرس می‌باشد.

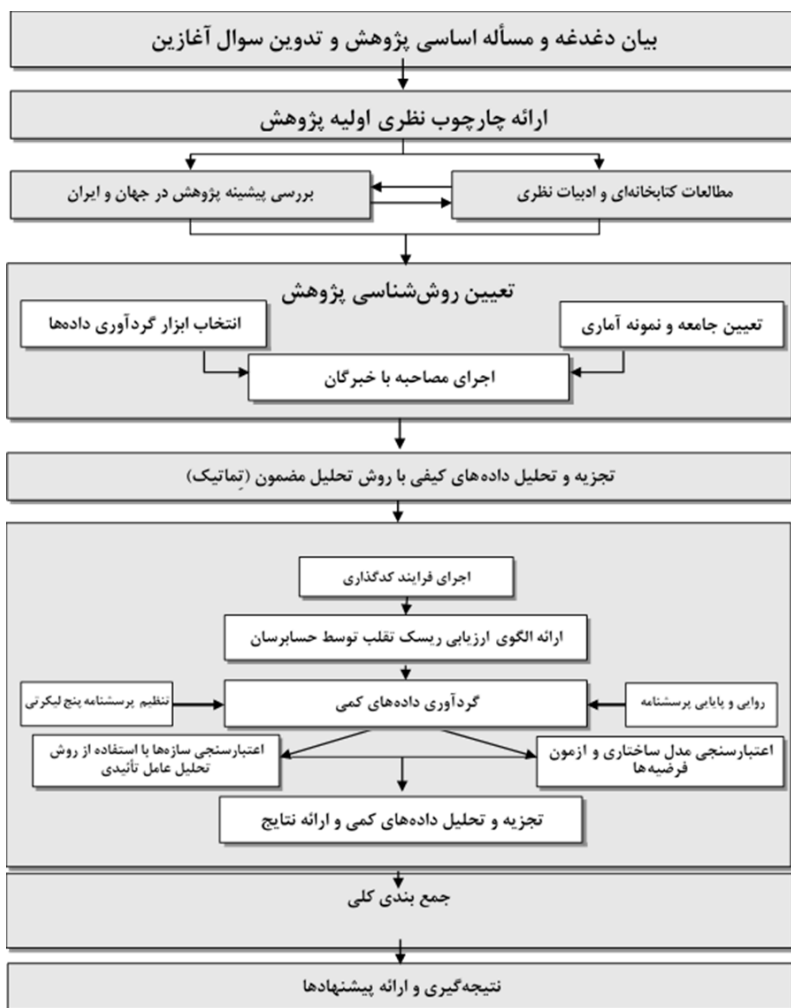
هدف اصلی از اجرای این پژوهش ارائه الگویی برای ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان

می‌باشد. در راستای تحقق هدف مذکور، در ابتدا با بررسی عمیق و گسترده‌ی ادبیات موجود و پیشینه‌های نظری و چالش‌های عینی موجود در رابطه با فرایند ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان (پیش‌تر نیز با آنها اشاره شد) و درک جامع از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان، چارچوب نظری پژوهش شکل گرفت. سپس از طریق مصاحبه با خبرگان این حرفه و مبتنی بر داده‌های احصا شده از مصاحبه و با استفاده از روش تحلیل مضمون (تم)، سازه‌های مربوط به هر یک از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان طراحی گردید. مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل (۱) می‌باشد:



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

در راستای انجام پژوهش مراحل پژوهش به صورت شکل (۲) انجام خواهد گرفت:



شکل (۲) مراحل انجام پژوهش

۲-۲- پیشینه پژوهش

در این رابطه، نگاهی به تحقیقات پیشین انجام شده در خصوص ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان و همچنین عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد که این عوامل در دسته‌های مختلفی قابل بررسی است. برخی از پژوهش‌های پیشین و نتایج آنها در زیر آمده است. نظامی، پورحیدری و پاکدامن (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی وجدان و توافق‌پذیری، احساسات-تفکر و ریسک‌پذیری بر قضاوت حسابرسان با توجه به نقش

میانجی خودکارآمدی انجام دادند. نتایج دلالت بر نقش شخصیت در قضاوت حسابرسان دارد. خودکارآمدی در این ارتباط نقش میانجی را ایفا می‌کند لذا باید در بهبود فرآیند حسابرسی به این عوامل توجه نمود.

دریایی، نیکومرام و خان محمدی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان تأثیر فرهنگ سازمانی بر گزارش خطاکاری سازمانی در حرفه حسابرسی انجام دادند و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ سازمانی بر برداشت از مسئولیتهای فردی و بر برداشت از عواقب عمل سؤال برانگیز تأثیر معنی‌دار و مثبت دارد؛ اما فرهنگ سازمانی تأثیری معنی‌دار بر برداشت از هزینه‌های گزارش‌دهی بر گزارش خطاکاری ندارد. همچنین شواهد این تحقیق تأیید می‌نماید که درک حسابرسان از مسئولیتهای فردی و برداشت حسابرسان از عواقب عمل سؤال برانگیز نیز از جمله متغیرهای مؤثر بر تمایل حسابرسان به گزارش خطاکاری است. بر اساس نتایج این تحقیق استقرار فرهنگ سازمانی مناسب در مؤسسات حسابرسی می‌تواند مکانیزم مؤثری برای گزارش خطاکاری‌های سازمانی در حرفه حسابرسی باشد.

شفعتی، ولیان و عبدلی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر استعاره‌سازی ذهنی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان در ارزیابی ریسک تقلب و کیفیت حسابرسی" نتیجه گرفتند که تفاوت حسابرسان بر حسب ادراک آن‌ها از استعاره‌های حسابرسی باعث افزایش ارزیابی ریسک تقلب شرکت‌ها و کیفیت حسابرسی می‌گردد.

صالحی، قیصری و تامرادی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد حسابرس با نقش واسطه سرمایه فکری" با هدف بررسی تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد حسابرس با نقش واسطه سرمایه فکری انجام دادند. نتایج به طور کلی نشان داد که بین هوش هیجانی و عملکرد حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نقش میانجی متغیر سرمایه فکری بین هوش هیجانی و عملکرد حسابرس مورد تأیید قرار گرفت.

رابطه میان اثربخشی فردی حسابرس و خطا در ارزیابی ریسک تقلب پژوهشی است که توسط صفری و موسوی کاشی (۱۳۹۷) صورت گرفته و نتایج بدست آمده حاکی از آن است که اثربخشی فردی حسابرس با خطا در ارزیابی ریسک تقلب، در هر دو بخش دولتی و خصوصی رابطه معنی‌دار و مثبتی دارد. جنسیت در هر دو بخش دولتی و خصوصی با اثربخشی فردی حسابرس رابطه معنی‌داری دارد. تحصیلات در هیچ یک از بخش‌های دولتی و خصوصی با اثربخشی حسابرس رابطه معنی‌داری ندارد و تجربه کاری و رتبه شغلی حسابرسان در بخش خصوصی با اثربخشی فردی آن‌ه رابطه‌ای معنی‌دار دارد ولی در بخش دولتی حسابرسی این یافته معنی‌دار نیست.

مشایخی و اسکندری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و قضاوت حسابرس" ابعاد هوش هیجانی را که در این مدل شامل پنج بعد خودآگاهی، خودتنظیمی، مهارت اجتماعی، همدلی و خودانگیزشی است آزمون کردند. نتایج نشان می‌دهد حسابرسان با هوش هیجانی بالاتر، قضاوت مناسب‌تری انجام می‌دهند. این مطالعه شروع بسیار مناسبی برای در نظر گرفتن آموزش‌های مهارت هوش هیجانی در بین حسابرسان است.

مرادی و افشار ایمانی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان "رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و عملکرد حسابرس" انجام دادند که این تحقیق با هدف بررسی رابطه هوش معنوی، هوش هیجانی و عملکرد حسابرسان شکل گرفت. نتایج نشان داد: بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین هوش معنوی و عملکرد حسابرسان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بین هوش هیجانی و عملکرد رابطه معنی‌داری وجود دارد و در نهایت هوش هیجانی رابطه بین هوش معنوی و عملکرد حسابرسان را واسطه‌گری می‌کند.

اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی: نقد نظری، نقد روش پژوهش و ارائه پیشنهادات، مقاله‌ای است که توسط محمدرضایی و یعقوب‌نژاد (۱۳۹۶) به چاپ رسیده است. نتایج بدست آمده نشان داد که نظریه اندازه مؤسسه حسابرسی نظریه مناسبی برای بررسی تفاوت کیفیت حسابرسی سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه بزرگ و مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان مؤسسات کوچک، نیست.

رابطه اخلاق حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی پژوهش انجام شده توسط صالحی (۱۳۹۵) است. نتایج نشان داد که تعهد حسابرس به یکپارچگی و صداقت، استقلال حسابرس و بی‌طرفی حرفه‌ای او، تعهد حسابرس به رفتار حرفه‌ای در حرفه حسابرسی، تعهد حسابرس به رازداری و عملکرد حرفه‌ای حسابرس بر کیفیت حسابرسی اثر مثبت و معناداری دارد و با توجه به اینکه رعایت اخلاق حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسی اثر دارد بنابراین لازم است سازمان‌های حاکم بر حرفه حسابرسی توجه بیشتری در مورد جنبه‌های اخلاقی حسابرسی داشته باشند.

منصور، احمی و پیپولا (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی در مهارت‌های مورد نیاز و عملکرد ارزیابی خطر تقلب، مهارت (حسابدار قانونی و حسابرس) و عملکرد ارزیابی ریسک تقلب در بخش دولتی اردن را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفتند که وظیفه‌شناسی حسابداران و حسابرسان نقش تعدیل‌کننده در مورد نیازهای مهارت در عملکرد ارزیابی ریسک تقلب ایفا می‌کند.

هوگیانتو و سباستین (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان "تأثیر اجرای حرفه‌ای و هوش هیجانی بر تصمیم‌گیری برای حسابرسان" را انجام دادند. این تحقیق برای تحلیل اثر اجرای اخلاق حرفه‌ای و هوش هیجانی بر تصمیم‌گیری‌های حسابرسان انجام شده است. این مطالعه نمونه‌ای از حسابرسان مستقل را که در حسابداری عمومی در شعبه‌های سمرآنگ و BPK-RI در جاوه مرکزی هستند، آزمون می‌کند. نوع داده‌های مورد استفاده، داده‌های اولیه را با جمع‌آوری داده‌ها که یک مصاحبه غیرمستقیم یا پرسشنامه است، انتخاب می‌کند. ابزار تحلیل مورد استفاده، رگرسیون خطی چندگانه است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای و عینیت استانداردهای عمومی و اصول حسابداری؛ مسئولیت نسبت به مشتریان، تصمیم‌گیری مهم حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که مسئولیت همکاران و سایر مسئولیت‌ها و شیوه‌های حسابرسان در تصمیم‌گیری تأثیر قابل توجهی ندارد. هوش هیجانی به عنوان اندازه‌گیری از خود تنظیم، انگیزه و مهارت‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری حسابرس دارد در حالی که خودآگاهی

و همدلی تأثیر معناداری بر تصمیم‌گیری حسابرسان ندارد.

اولاف بایک و رچی هوقمسترا (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های فرهنگی در پذیرش حسابرسان از خط مشی مؤسسه حسابرسی در مورد روش‌های ارزیابی ریسک تقلب»، این نتایج را اعلام کردند که جمع‌گرایی و اعتماد اجتماعی منفی هستند، در حالی که اعتقادات مذهبی با سیاست‌های شرکت‌های جهانی رابطه مثبتی دارند. با این حال، شواهدی وجود ندارد که انطباق و فاصله قدرت مرتبط است. به طور کلی، یافته‌های ما نشان می‌دهد که تفاوت‌های متقابل بین حسابرسان با روش حسابرسی شرکت‌های جهانی با تفاوت‌های فرهنگی بین‌المللی مرتبط است. لینگ یانگ، آلیسا جی برینک و بنسون وایر (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر هوش هیجانی بر قضاوت حسابرسان» به دنبال شناسایی هوش هیجانی (EI) به عنوان عامل کلیدی در برخورد با احساسات و فشار در یک زمینه حسابرسی و اینکه چگونه EI می‌تواند رابطه بین فشار کاری (یعنی فشار بودجه زمانی و فشار مشتری) و قضاوت حسابرسان را تحت تأثیر قرار دهد بودند. به طور خاص، در بررسی اثر تعدیل‌کننده EI حسابرسان را در معرض فشارهای داخلی و خارجی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که تأثیر تعدیل‌کننده EI می‌تواند به طور مؤثر گرایش حسابرسان به دخالت در رفتار ناکارآمد و بهبود کیفیت حسابرسی را کاهش دهد. علاوه بر این، تحلیلی یافته‌ها نشان می‌دهد که EI یک مکانیزم قابل توجهی است که تأثیرات انواع فشارهای مختلف را بر قضاوت حسابرسان تعدیل می‌کند.

سنگر پاساریبو، هاسیندا و دن سیتی زاهرنی (۲۰۱۸) در پژوهش خود «تأثیر هوش معنوی و هوش هیجانی بر قضاوت حسابرسان داخلی»، دریافتند قضاوت حسابرسی داخلی به خوبی و درست انجام می‌شود وقتی که حسابرسان رهبری و اصول قوی بر هوش/عاطفی و معنوی خود دارد. آمیر و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا هوش هیجانی می‌تواند به حسابرسان در کاهش رفتارهای تهدیدکننده کیفیت کمک کند؟» هدف خود را شناخت مفهوم رفتارهای تهدیدکننده کیفیت حسابرسان، هوش هیجانی و بررسی رابطه احتمالی بین این دو ساختار بیان کردند. بررسی تحقیقات بایگانی نشان می‌دهد که هوش هیجانی نقش مهمی در عملکرد انسان دارد. این تحقیق مطالعات تجربی بیشتری راجع به رابطه بین هوش هیجانی و رفتارهای تهدیدکننده حسابرسان را پیشنهاد می‌دهد حسابرسان در کنار گذاشتن رفتارهای نامطلوب در محل کار می‌تواند حسابرسان را برای ارزیابی عملکرد بهتر و پاداشهای چندگانه کمک کند.

پانجی کوسوما و سوکایرمن (۲۰۱۷) «تأثیر هوش هیجانی و تجربه حسابرسان بر کیفیت حسابرسی و استقلال» به عنوان یک تعدیل‌کننده هدف این مطالعه بررسی نقش استقلال در تعدیل تأثیر هوش هیجانی و تجربه حسابرسان بر کیفیت حسابرسی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هوش هیجانی بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت دارد. تجربه حسابرسان تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارد. استقلال می‌تواند نفوذ هوش هیجانی و تجربه حسابرسان را بر کیفیت حسابرسی تعدیل کند. نتیجه‌گیری این مطالعه این است که حسابرسانی که دارای سطح هوش عاطفی خوب و تجربه خوب هستند، روند حسابرسی را کاهش می‌دهند، که در

نتیجه کیفیت مطلوب را نیز به همراه خواهد داشت. استقلال مستلزم نفوذ هوش هیجانی و تجربه حسابرس در کیفیت حسابرسی است.

باتارجی و کیمبرلی (۲۰۱۳) "نقش احساسات و حالات حسابرسان در قضاوت حسابرسی: خلاصه‌ای از تحقیقات با پیامدهای عملی پیشنهادی" نتایج نشان می‌دهد که یک پیامد مهم حسابرسان که احساسات و خلق و خوی را تجربه می‌کنند این است که این واکنش‌ها می‌توانند در تصمیم‌گیری آنها تأثیر بگذارند.

نگاهی به پیشینه‌های تحقیقاتی انجام شده نشان می‌دهد که به‌طور کلی در این پژوهش‌ها بشکل جامع به شناسایی عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته نشده است و در عین حال الگویی جامع در این رابطه ارائه و اعتبارسنجی نگردیده است. در این راستا با توجه به اهمیت موضوع، ضروری است که در این پژوهش به شناسایی عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان بصورت جامع پرداخته و مدل ارائه شده اعتباریابی گردد. در ادامه به ارائه روش‌شناسی بکارگرفته شده برای حل مسأله و پاسخ‌گویی به هدف پژوهش اشاره شده است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

به طور کلی، به منظور پی بردن به مسائل و واقعیات عناصر تشکیل‌دهنده ناشناخته‌ها، چهار دیدگاه نظری- فلسفی را می‌توان مورد نظر قرار داد که عبارتند از: اصالت تحصیلی (اثبات‌گرایی^۱)، تفسیر‌گرایی^۲، نظریه انتقادی^۳ و پس‌اساخت‌گرایی^۴ (پسا‌ساختارگرایی). این پارادایم‌ها از لحاظ پاسخ به سه سوال اساسی که درباره هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مطرح می‌شوند، متفاوت می‌باشند. به تعبیر دیگر پاسخ اینک: «واقعیت یک پدیده چیست؟»، «ماهیت شناخت در مورد این پدیده چیست؟» و «چگونه این شناخت حاصل می‌شود؟» در این چهار پارادایم تحقیق یکسان نیست. از این رو پژوهشگر با انتخاب طرح پژوهش به طور ضمنی آشکار می‌کند که از میان دیدگاه‌های نظری- فلسفی (پارادایم) کدام را مبنای دستیابی به شناخت قرار داده است. بطور کلی روش‌های پژوهش کمی بر اساس دیدگاه نظری-فلسفی، اصالت تحصیلی (اثبات‌گرایی) است و روش‌های تحقیق کیفی بر سه دیدگاه دیگر نظری-فلسفی استوار است. گاهی نیز ترکیب این روش‌ها به نام روش تحقیق آمیخته استفاده می‌شود.

در این پژوهش، نخست به بررسی مسائل و چالش‌های موجود در رابطه با اجرای فرایند ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته شده است و مبتنی بر ابعاد مختلف مسأله، سؤال اصلی پژوهش در ذهن محقق شکل گرفت و مسأله پژوهش طرح گردید. در گام دوم با مرور عمیق و گسترده ادبیات و پیشینه‌های نظری و چالش‌های عینی موجود در رابطه با فرایند ارزیابی

1. Positivism
2. Interpretivism
3. Critical theory
4. Post Structuralism

ریسک تقلب توسط حسابرسان که محقق در طول سالیان متوالی فرایند حسابرسی در سازمان‌ها با آن روبرو بوده است، درک جامعی از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پیدا نمود و چارچوب نظری پژوهش را شکل داد. در گام سوم سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در رابطه با عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان مبتنی بر مدل سه‌شاخکی و در سه حوزه عوامل رفتاری (محتوایی)، عوامل ساختاری و عوامل زمینه‌ای (محیطی) طراحی گردید و فرآیند مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان تا مرحله اشباع نظری داده‌ها انجام شد. در گام چهارم مبتنی بر داده‌های کیفی احصا شده از مصاحبه و با استفاده از روش تحلیل مضمون (تم)، سازه‌های مربوط به هر یک از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان طراحی گردید. همچنین در گام پنجم برای اعتبارسنجی الگوی ارائه شده در مرحله کیفی، پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت پنج‌تایی طراحی و پس از ارزیابی آن از نظر روایی و پایایی، در بین جامعه آماری حسابرسان توزیع گردید. در نهایت در گام پایانی نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عامل تأییدی، به اعتبارسنجی سازه هر یک از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته شد و در ادامه نیز میزان اثر هر یک از عوامل شناسایی شده بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری ارزیابی گردید.

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از جهت استراتژی اجرای پژوهش، توصیفی از نوع اکتشافی می‌باشد. درعین حال این پژوهش از منظر روش گردآوری داده‌ها به دو شکل مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه) انجام شده است. از منظر نوع داده، پژوهش حاضر در حیطه تحقیقات آمیخته (کیفی - کمی) دسته‌بندی می‌شود. از منظر مقطع زمانی اجرای پژوهش، این مطالعه در هر دو بخش کیفی و کمی از نوع پژوهش‌های تک مقطعی می‌باشد. همچنین باتوجه به غیر تجربی بودن پژوهش، میزان مداخله پژوهشگر در فرایند اجرای پژوهش حداقلی می‌باشد. درعین حال پارادایم نظری - فلسفی که این پژوهش بر آن اساس بنا شده است از نوع آمیخته تفسیرگرا - اثبات‌گرایی است.

جامعه آماری پژوهش برای مرحله کیفی، شامل خبرگان دانشگاهی و حسابرسان خبره است که حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت حسابرسی در سازمان حسابرسی کشور و یا مؤسسات حسابرسی را داشته‌اند. نمونه‌گیری بخش کیفی با رویکرد هدفمند قضاوتی، تا سرحد اشباع نظری داده‌ها، انجام و تعداد ۱۳ نفر از خبرگان (۴ نفر اساتید دانشگاهی و ۹ نفر حسابرسان خبره) شناسایی و در فرایند مصاحبه مشارکت داده شدند. همچنین جامعه آماری برای مرحله کمی، شامل حسابرسان فعال در سازمان حسابرسی کشور و مؤسسات حسابرسی خصوصی در شهر تهران می‌باشند که با اطلاعات احصا شده از سازمان حسابرسی کشور، تعداد حسابرسان رسمی سازمان حسابرسی کشور (۱۰۰۰ نفر) و تعداد حسابرسان رسمی مؤسسات حسابرسی خصوصی (۳۷۴ نفر) برآورد گردید که جمعاً حجم جامعه آماری به تعداد ۱۳۷۴ نفر تخمین زده شد.

در ادامه برای تعیین حجم نمونه در جامعه آماری از فرمول کوکران (در جامعه محدود) استفاده گردید که به تعداد ۲۷۴ نفر محاسبه شد. همچنین برای توزیع پرسش‌نامه‌ها در بین

حسابرسان، از روش طبقه‌های تصادفی متناسب با حجم جامعه آماری بهره گرفته شد. در نتیجه، نمونه آماری پژوهش از تعداد ۱۹۹ نفر حسابرسان سازمان حسابرسی کشور و ۷۵ نفر حسابرسان مؤسسات حسابرسی خصوصی تهران تشکیل شده است. در نهایت تعداد ۲۷۴ پرسش‌نامه برگشت داده شد و مورد استفاده قرار گرفت.

همان گونه که بیان گردید این پژوهش در دو بخش کلی انجام شده است. در بخش اول با رویکرد کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به شناسایی عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته شده است. همچنین در بخش دوم با رویکرد کمی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه به ارزیابی و اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری ارائه شده برای هر یک از عوامل شناسایی شده در مرحله نخست پژوهش با تحلیل عامل تأییدی و آزمون فرضیه‌های مدل ساختاری با روش معادلات ساختاری پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه به روش تحلیل مضمون (تم) شش مرحله‌ای کلارک و براون^۱ (۲۰۰۶) و داده‌های کمی احصا شده از پرسش‌نامه به روش تحلیل عامل پرسش‌نامه و مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos^{۲۶} انجام شده است.

برای اطمینان از روایی نتایج مصاحبه و تحلیل مضمون از معیار مقبولیت^۲ و قابلیت تأیید^۳ استفاده شد. جهت افزایش مقبولیت از روش‌های بازنگری توسط شرکت‌کنندگان در مصاحبه بهره‌برداری شد. همچنین برای قابلیت تأیید در مرحله پایانی، طبقات به دست آمده به سه نفر از مشارکت‌کنندگان اولیه به منظور بازبینی و تأیید برگردانده شد و نکات پیشنهادی اعمال گردید. برای محاسبه پایایی مصاحبه نیز از روش باز آزمون استفاده گردیده است. در این راستا از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد سه مصاحبه برگزیده و هر کدام دو بار در فاصله زمانی ۱۴ روز توسط پژوهشگران کدگذاری شده‌اند. همان‌طور که در جدول (۱) مشخص است میزان پایایی باز آزمون ۸۸/۶۰ درصد محاسبه شده است که بیانگر آن است که کدگذاری عبارت‌های مصاحبه در دو دوره زمانی مختلف نزدیک به ۸۹ درصد شبیه هم بوده است که قابلیت اعتماد فرایند کدگذاری عبارت مصاحبه توسط پژوهشگر را مشخص می‌نماید.

جدول (۱) محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات)

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	نتیجه پایایی بازآزمون
۱	INT (1)	۳۱	۱۴	۹۰/۳۲
۲	INT (4)	۲۵	۱۱	۸۸
۳	INT (9)	۲۳	۱۰	۸۶/۹۵
	کل	۷۹	۳۵	۸۸/۶۰

1. Clarck & Brun
2. Credibility
3. Confirmability

پس از آنکه مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان بر مبنای روش تحلیل مضمون (مرحله کیفی) استخراج گردید و متغیرهای مشهود و مکنون مدل اندازه‌گیری تبیین شد، در ادامه مبتنی بر متغیرهای مشهود شناسایی شده (شاخص‌ها) در مدل اندازه‌گیری، به تبیین پرسش‌نامه پژوهش برای آزمون مدل اندازه‌گیری با روش تحلیل عامل تأییدی و معادلات ساختاری پرداخته شد. در این راستا پرسش‌نامه پژوهش از ۲۸ شاخص اندازه‌گیری تشکیل یافته است که روایی آن به روش محتوایی تأیید گردید. به این منظور گویه‌های سؤالی طراحی شده برای سنجش مدل اندازه‌گیری هریک از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان، در اختیار تعدادی از اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران سازمان حسابرسی کشور قرار گرفت و قابلیت سنجش هریک از سؤالات از متغیر و مؤلفه مربوط به خود توسط خبرگان به صورت محتوایی تأیید گردید. همچنین پایایی پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرونباخ به میزان (۰/۹۱۳) محاسبه گردید که قابلیت اعتماد ابزار گردآوری داده‌ها را تأیید می‌نماید.

در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کمی نیز با استفاده از نرم‌افزار Amos ۲۶ برای اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری هریک از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان با روش تحلیل عامل تأییدی و همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش با روش معادلات ساختاری انجام شد. به این منظور، مدل اندازه‌گیری هریک از عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان در نرم‌افزار Amos ۲۶ طراحی گردید و بر مبنای روش تحلیل عامل تأییدی، اعتبار مدل‌های اندازه‌گیری آزمون شد تا مشخص شود که آیا مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارائه شده در مدل به‌خوبی از متغیر حمایت کرده‌اند یا خیر. همچنین در بخش بعدی، مدل ساختاری پژوهش که تبیین‌کننده روابط بین هریک از عوامل شناسایی شده با متغیر ملاک (ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان) بوده است در نرم‌افزار یاد شده ترسیم و مبتنی بر روش معادلات ساختاری به آزمون فرضیه‌ها و تعیین ضرایب رگرسیونی پرداخته شد. در ادامه به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش پرداخته شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های بخش کیفی

همان گونه که در فراگرد اجرای پژوهش بیان گردید، در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل مضمون (تم) استفاده شده است که شامل فرایند شش مرحله‌ای تحلیل تم کلارک و براون (۲۰۰۶) می‌باشد. در این راستا برای شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان، در ابتدا محقق عبارات‌های بیانی مصاحبه‌شوندگان در طول فرایند مصاحبه را جمع‌بندی نمود و در گام نخست پس از چندین مرحله مطالعه و غوطه‌ور شدن در داده‌ها، آشنایی نسبی از آنان کسب نمود (مرحله اول؛ آشنایی با داده‌ها). در مرحله دوم، از بین عبارات‌های بیانی مصاحبه‌شوندگان، تعداد

۶۳ عبارت استخراج گردید و کدگذاری آنان صورت گرفت. در مرحله سوم که بنام کدگذاری گزینشی نیز معروف می‌باشد تلاش گردید تا با بررسی کدهای اولیه داده شده به هر یک از مفاهیم و حذف مفاهیم مشابه، ناقص و نامرتبط با موضوع، تعداد مفاهیم گزینشی با همان مضامین پایه احصاء گردد. در نهایت در این بخش در کل تعداد ۲۰ مضمون پایه (مفاهیم گزینشی) از بین عبارت‌های بیانی مصاحبه شونده‌گان احصا شد. در مرحله چهارم با انجام بازبینی مجدد در بین کدهای گزینشی، تلاش نمود تا به دسته‌بندی مفاهیم گزینشی (بر اساس محتوا و ظاهر) در قالب دسته‌های کلی‌تر بپردازد. مبتنی بر یافته‌های این گام در نهایت تعداد سه مقوله فرعی (مضامین سازمان‌دهنده) شکل‌دهی شد. همچنین به منظور سنجش اعتبار مقوله‌های فرعی استخراج شده در این مرحله، به بازنگری رفت و برگشتی از مرحله اول تا چهارم بر اساس مجموعه داده‌ها پرداخته شد تا اعتبار محتوایی مقوله‌های احصا شده حاصل گردد. در مرحله پنجم نیز پژوهشگران با اجرای اعمال رفت و برگشتی در میان تم‌های فرعی، آنان را در قالب یک مقوله اصلی (مضمون فراگیر عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان) دسته‌بندی نمودند. لازم به ذکر است که در راستای نام‌گذاری مضامین سازمان‌دهنده در این پژوهش تلاش گردید به تبعیت از مدل جامع سه شاخکی میرزایی اهرنجانی (۱۳۸۰)، مضامین پایه در قالب سه مضمون سازمان‌دهنده (شامل عوامل رفتاری (محتوایی)، عوامل ساختاری و عوامل زمینه‌ای (محیطی) ارائه گردند. مرحله پایانی تحلیل مضمون نیز شامل ارائه گزارش نهایی می‌باشد که نتایج نهایی تحلیل مضمون (تم) در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۲) دسته‌های مفهومی عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان

مضمون فراگیر	شرح مضمون سازمان‌دهنده	کد مضمون پایه	شرح مضمون پایه
عوامل رفتاری (محتوایی) (BF)	عوامل رفتاری (محتوایی) (BF)	BF1	هوش هیجانی
		BF2	میزان دینداری
		BF3	میزان ریسک‌پذیری
		BF4	تجربه و مهارت‌های حرفه‌ای
		BF5	عوامل جمعیت‌شناختی فردی (سن، تحصیلات، قومیت، جنسیت)
		BF6	هنجارها و نگرش‌های ذهنی
عوامل ساختاری (SF)	عوامل ساختاری (SF)	SF1	استانداردسازی برای ارزیابی ریسک تقلب
		SF2	اصول اخلاقی و ارزش‌های حرفه‌ای
		SF3	اندازه مؤسسه حسابرسی
		SF4	میزان حق‌الزحمه حسابرسی
		SF5	اندازه واحد مورد رسیدگی
		SF6	ساختار سازمانی
		SF7	در دسترس بودن برنامه‌ها و نرم‌افزارهای بروز حسابرسی
عوامل محیطی (زمینه‌ای) (EF)	عوامل محیطی (زمینه‌ای) (EF)	EF1	تفاوت‌های فرهنگی
		EF2	رابطه با کارفرما
		EF3	محدودیت زمانی
		EF4	نوع صنعت مورد رسیدگی
		EF5	وجود تشکلهای حرفه‌ای ناظر و پاسخ‌خواه
		EF6	فشارهای سیاسی بیرونی
		EF7	هنجارهای اجتماعی

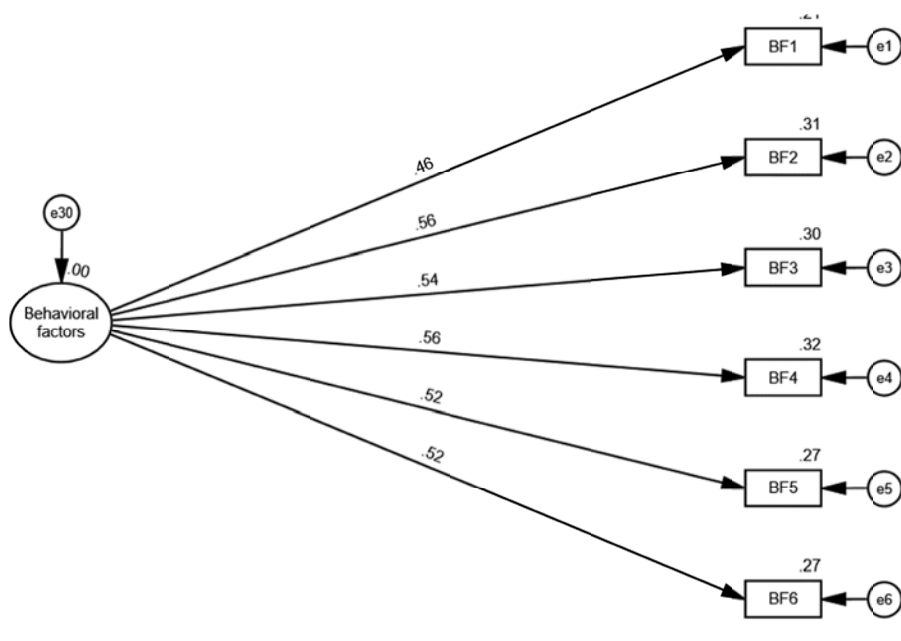
نتایج تحلیل مضمون در جدول (۲) نشان می‌دهد که مضمون فراگیر "عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان" از سه مدل اندازه‌گیری "عوامل رفتاری"، "عوامل ساختاری" و "عوامل محیطی" و ۲۰ مضمون پایه تشکیل یافته است. در ادامه به منظور اعتباریابی مدل اندازه‌گیری هر یک از عوامل شناسایی شده، به تجزیه و تحلیل داده‌های کمی احصا شده از مرحله دوم پژوهش مبتنی بر آزمون تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار Amos ۲۶ پرداخته شده است. همچنین در بخش پایانی نیز مبتنی بر روش معادلات ساختاری به آزمون فرضیه‌ها و تعیین ضرایب رگرسیونی در مدل ساختاری پژوهش پرداخته شده است که در بخش بعدی به نتایج آن اشاره می‌شود.

۴-۲- اعتبارسنجی مدل‌های اندازه‌گیری به روش تحلیل عامل تأییدی

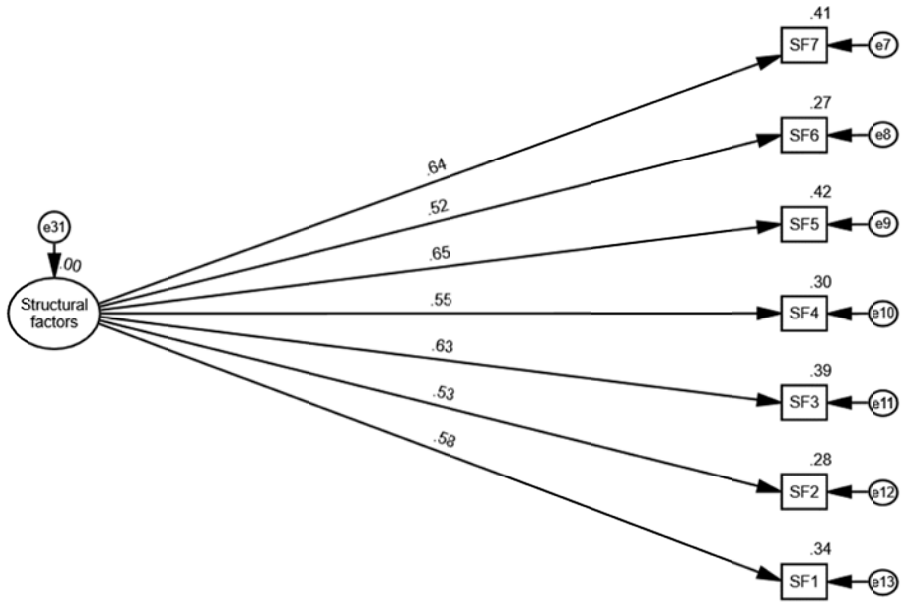
در این پژوهش به منظور ارزیابی و سنجش اعتبار مدل‌های اندازه‌گیری احصا شده از مرحله کیفی (تحلیل مضمون) که در بخش قبلی ارائه گردیده است، از روش تحلیل عامل تأییدی در

نرم افزار Amos ۲۶ بهره گرفته شده است. در این راستا پس از مشخص شدن متغیرهای مکنون و مشهود مدل های اندازه گیری عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان که در جدول (۳) ارائه گردیده است، به اعتبارسنجی و آزمون این مدل ها مبتنی بر داده های احصا شده از پرسش نامه در مرحله دوم پژوهش پرداخته شد. به این منظور مدل اندازه گیری عوامل یاد شده در نرم افزار Amos ۲۶ طراحی گردید و آزمون تحلیل عامل تأییدی برای آنان اجرا گردید که در ادامه به تشریح یافته های این بخش پرداخته شده است.

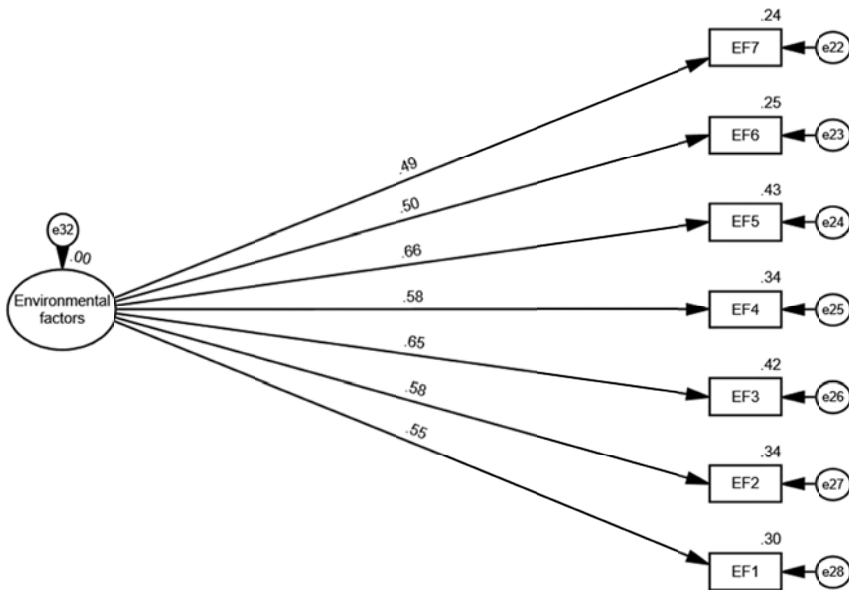
خروجی نهایی تحلیل عاملی تأییدی مربوط به مدل های اندازه گیری عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان در شکل (۳) تا (۵) نشان داده شده است که بیانگر ضرایب عاملی بالای هریک از متغیرهای آشکار و مکنون مربوط به متغیرها می باشد. به عبارت دیگر نتایج تحلیل عاملی نشان می دهد که هریک از عوامل شناسایی شده به خوبی از مدل اندازه گیری خود حمایت کرده اند (باتوجه به بار عاملی بالای ۰/۳ هریک از مؤلفه ها) و مؤلفه های خوبی برای متغیر مکنون خود می باشند. همچنین نتایج تحلیل عاملی مربوط به هریک از مدل های اندازه گیری نیز نشان می دهد که شاخص های اندازه گیری ارائه شده برای هریک از آنان (باتوجه به بار عاملی بالای ۰/۳ هریک از شاخص ها) به خوبی از مؤلفه مربوط به خود حمایت کرده و در واقع ابزار مناسبی برای سنجش متغیر مکنون خود می باشند.



شکل (۳) تحلیل عامل تأییدی مدل اندازه گیری عوامل رفتاری



شکل (۴) تحلیل عامل تأییدی مدل اندازه‌گیری عوامل ساختاری



شکل (۵) تحلیل عامل تأییدی مدل اندازه‌گیری عوامل محیطی

هنگامی که یک مدل به طور مناسبی مشخص گردید و داده‌ها به طور صحیح وارد گردیدند، برازش داده‌ها به مدل فرضی را باید مورد ارزیابی قرارداد. تعدادی شاخص برای ارزیابی این موضوع که مدل تا چه حد روابط مشاهده شده بین متغیرهای قابل اندازه‌گیری را توصیف می‌نماید، بکار برده می‌شوند. این شاخص‌ها در گروه‌های مختلفی نام‌گذاری شده که از مهم‌ترین آنان شاخص‌های مطلق و مقایسه‌ای می‌باشند. شاخص‌های مطلق شاخص‌هایی هستند که صرفاً به محاسبه X^2 ، df/X^2 و ضریب تشخیص مدل اختصاص می‌یابند. از مهم‌ترین آنان شاخص‌های X^2 و df/X^2 است که شاخص‌هایی برای ارزیابی مناسب بودن برازش مدل می‌باشند. دو شاخص مطلق برازش دیگر جذر میانگین مربعی استاندارد شده (RMR) می‌باشد که میانگین اختلاف‌های بین همبستگی‌های مشاهده شده و مورد انتظار بین برآورد تمام پارامترهاست و جذر میانگین مربع خطای تقریب (RMSEA) که ساده بودن مدل را تعدیل می‌نماید. از جمله شاخص‌های دیگر برازش مدل شاخص‌های مقایسه‌ای یا تطبیقی می‌باشند که شاخص مطلق برازش مدل مورد نظر را با شاخص مطلق برازش مدل پایه مقایسه می‌کنند. در این نوع شاخص‌ها فرض بر این است که یک مدل کاملاً آزاد بدون هیچ‌گونه ارتباطی وجود دارد که به آن مدل صفر یا پایه می‌گویند که دارای شاخص‌های مطلق برازش مربوط به خود می‌باشد. بر اساس این شاخص‌ها می‌توان به مقایسه شاخص‌های مطلق برازش مدل فرضی با مدل پایه پرداخته شود به نحوی که هرچه اختلاف بین این شاخص‌ها بیشتر باشد اعتبار مدل فرضی ایجاد شده بالاتر خواهد بود. از معروف‌ترین شاخص‌های مقایسه‌ای می‌توان به شاخص CFI و GFI اشاره نمود.

میزان قابل قبول برای هر یک از شاخص‌های مطلق و مقایسه‌ای بر اساس محاسبات هیر (۱۹۹۳) در جدول (۴) آورده شده است. شاخص‌های کلی برازش الگوی اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان نیز در جدول (۳) ارائه شده است که بیانگر آن است که الگوهای اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردار بوده و به عبارتی شاخص‌ها این مورد را تأیید می‌کنند که مؤلفه‌ها به خوبی از الگو حمایت می‌کنند.

جدول (۳) شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری پژوهش

GFI	RMR	CMIN	CFI	RMSEA	P	df / X ²	سازه / شاخص
> ۰/۸	< ۰/۰۵	---	> ۰/۸	< ۰/۰۷	< ۰/۰۵	< ۳	میزان قابل قبول
۰/۹۸۸	۰/۰۱۵	۱۹/۹۳۱	۰/۹۷۴	۰/۰۴۷	۰/۰۱۸	۲/۲۱۵	مدل عوامل رفتاری
۰/۹۷۱	۰/۰۲۳	۵۵/۱۲۷	۰/۹۵۰	۰/۰۷۳	۰/۰۰۰	۲/۹۳۸	مدل عوامل ساختاری
۰/۹۸۴	۰/۰۱۷	۳۰/۵۳۷	۰/۹۷۸	۰/۰۴۷	۰/۰۰۶	۲/۱۸۱	مدل عوامل محیطی

همچنین نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معناداری در رابطه با تمامی

مسیرهای مدل کمتر از ۰/۰۵ بوده و مقدار بحرانی بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد، لذا بارهای عاملی در رابطه با تمامی مسیرها معنی‌دار بوده و همبستگی رابطه‌های موجود در مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌گردد.

جدول (۴) ضرایب، نسبت‌های بحرانی و سطح معناداری مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش

نام مدل اندازه‌گیری	مسیرها	ضریب استاندارد	سطح معناداری	مقدار بحرانی	خطای استاندارد
عوامل رفتاری	عوامل رفتاری (محتوایی) <--- BF۱	.۴۶۲	.۰۰۰۰	۷.۵۸۰	.۱۵۴
	عوامل رفتاری (محتوایی) <--- BF۲	.۵۵۷	.۰۰۰۰	۷.۵۰۲	.۱۶۱
	عوامل رفتاری (محتوایی) <--- BF۳	.۵۴۴	.۰۰۰۰	۷.۶۱۸	.۱۶۴
	عوامل رفتاری (محتوایی) <--- BF۴	.۵۶۴	.۰۰۰۰	۷.۳۶۲	.۱۶۴
	عوامل رفتاری (محتوایی) <--- BF۵	.۵۲۳	.۰۰۰۰	۷.۳۰۸	.۱۶۸
	عوامل رفتاری (محتوایی) <--- BF۶	.۵۱۵	.۰۰۰۰	۱۰.۷۹۷	.۰۷۵
عوامل ساختاری	عوامل ساختاری <--- SF۱	.۵۸۱	.۰۰۰۰	۱۰.۰۷۴	.۰۷۳
	عوامل ساختاری <--- SF۲	.۵۳۳	.۰۰۰۰	۱۱.۴۲۵	.۰۸۳
	عوامل ساختاری <--- SF۳	.۶۲۶	.۰۰۰۰	۱۰.۳۶۷	.۰۷۶
	عوامل ساختاری <--- SF۴	.۵۵۲	.۰۰۰۰	۱۱.۷۱۵	.۰۸۵
	عوامل ساختاری <--- SF۵	.۶۴۹	.۰۰۰۰	۹.۸۶۳	.۰۷۴
	عوامل ساختاری <--- SF۷	.۶۴۴	.۰۰۰۰	۸.۵۸۷	.۱۳۷
عوامل محیطی	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۱	.۵۴۷	.۰۰۰۰	۸.۸۸۸	.۱۴۹
	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۲	.۵۸۲	.۰۰۰۰	۹.۳۶۶	.۱۶۸
	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۳	.۶۴۷	.۰۰۰۰	۸.۹۰۶	.۱۵۹
	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۴	.۵۸۴	.۰۰۰۰	۹.۴۳۳	.۱۵۹
	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۵	.۶۵۸	.۰۰۰۰	۸.۱۹۳	.۱۵۸
	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۶	.۵۰۵	.۰۰۰۰		
	عوامل زمینه‌ای (محیطی) <--- EF۷	.۴۹۲	.۰۰۰۰		

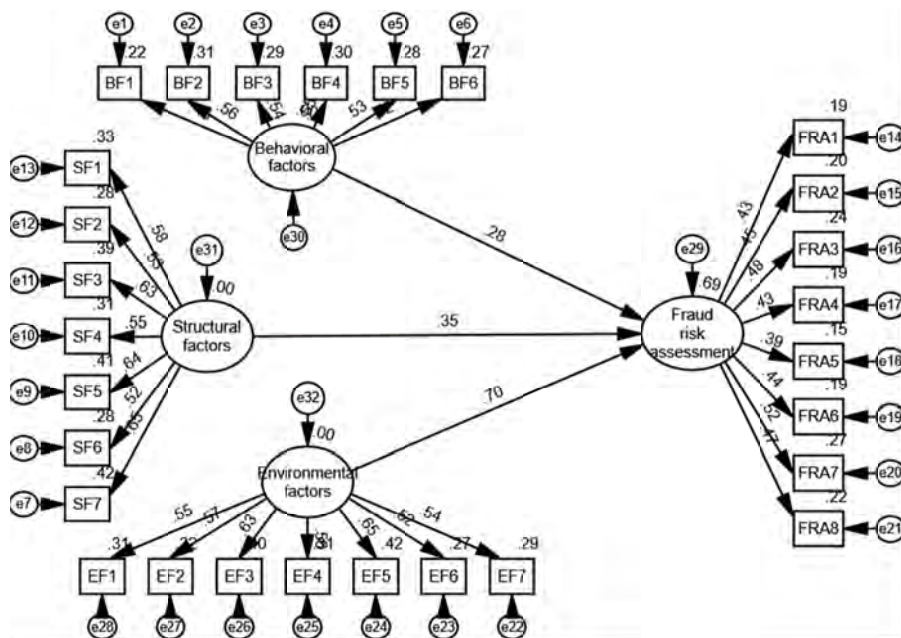
از سوی دیگر نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های سازه "عوامل رفتاری (محتوایی)"، شاخص BF۴ (تجربه و مهارت‌های حرفه‌ای) با بار عاملی ۰/۵۶۴ بیشترین و شاخص BF۱ (هوش هیجانی) با بار عاملی ۰/۴۶۲ کمترین حمایت را از مدل اندازه‌گیری "عوامل رفتاری (محتوایی)" مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان داشته‌اند. در بین شاخص‌های سازه "عوامل ساختاری"، شاخص SF۵ (اندازه واحد مورد رسیدگی) با بار عاملی ۰/۶۴۹ بیشترین و شاخص SF۶ (ساختار سازمانی) با بار عاملی ۰/۵۱۹ کمترین حمایت را از مدل اندازه‌گیری "عوامل ساختاری" مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان داشته‌اند. در نهایت در بین شاخص‌های سازه "عوامل زمینه‌ای (محیطی)"، شاخص EF۵ (وجود تشکلهای حرفه‌ای ناظر و پاسخ‌خواه) با بار عاملی ۰/۶۵۸ بیشترین و شاخص EF۷ (هنجارهای اجتماعی) با بار عاملی

۰/۴۹۲ کمترین حمایت را از مدل اندازه‌گیری "عوامل زمینه‌ای (محیطی)" مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان داشته‌اند.

۳-۴- آزمون فرضیه‌ها به روش معادلات ساختاری

در این پژوهش جهت اعتبارسنجی مدل ساختاری پژوهش و آزمون فرضیه‌های احصا شده از مدل، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداکثر درست‌نمایی استفاده گردیده است. به این منظور پس از تدوین مدل ساختاری مربوط به روابط بین متغیرهای پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار Amos ۲۶ مدل طراحی شده مورد آزمون قرار گرفت. فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

عوامل رفتاری (محتوایی) بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان تأثیر معناداری دارند. عوامل ساختاری بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان تأثیر معناداری دارند. عوامل زمینه‌ای (محیطی) بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان تأثیر معناداری دارند. مدل نهایی معادلات ساختاری مربوط به فرضیه‌های پژوهش در شکل (۶) نشان داده شده است که بیانگر ضریب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. همچنین بارهای عاملی مربوط به هر یک از مؤلفه‌های متغیرهای مورد آزمون در شکل (۶) نشان داده شده است.



شکل (۶) نمودار ضرایب استاندارد حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری

همچنین شاخص‌های کلی حاصل از مدل معادلات ساختاری پژوهش در جدول (۵) آورده شده است که همگی دارای برازش مناسب می‌باشند.

جدول (۵) شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش

GFI	RMR	CMIN	CFI	RMSEA	P	df/χ ²	سازه / شاخص
> ۰/۹	< ۰/۰۵	---	> ۰/۹	< ۰/۰۷	< ۰/۰۵	< ۳	میزان قابل قبول
۰/۹۳۵	۰/۰۳۱	۱۵۸۲/۳۱۰	۰/۹۰۸	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	۲/۵۶۰	مدل ساختاری

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که شاخص‌های کلی برازش مدل ساختاری پژوهش در سطح قابل قبول است که بیانگر آن است که مدل از اعتبار بالایی برای سنجش روابط بین متغیرها برخوردار است. در ادامه با توجه به اینکه مدل ساختاری پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است، به بررسی فرضیه‌ها با استفاده از ضرایب رگرسیونی، مقادیر بحرانی و سطح معناداری در جدول (۶) پرداخته می‌شود.

جدول (۶) بررسی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها	رگرسیونی	سطح معناداری	مقدار بحرانی	استاندارد خطای
عوامل رفتاری (محتوایی) --- < ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان (اثر مستقیم)	۰.۲۸۱	۰.۰۰۰	۴,۴۳۵	۰.۰۶۴
عوامل ساختاری --- < ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان (اثر مستقیم)	۰.۳۴۷	۰.۰۰۰	۵,۶۷۶	۰.۰۳۷
عوامل زمینه‌ای (محیطی) --- < ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان (اثر مستقیم)	۰.۷۰۱	۰.۰۰۰	۷,۱۴۵	۰.۰۸۶

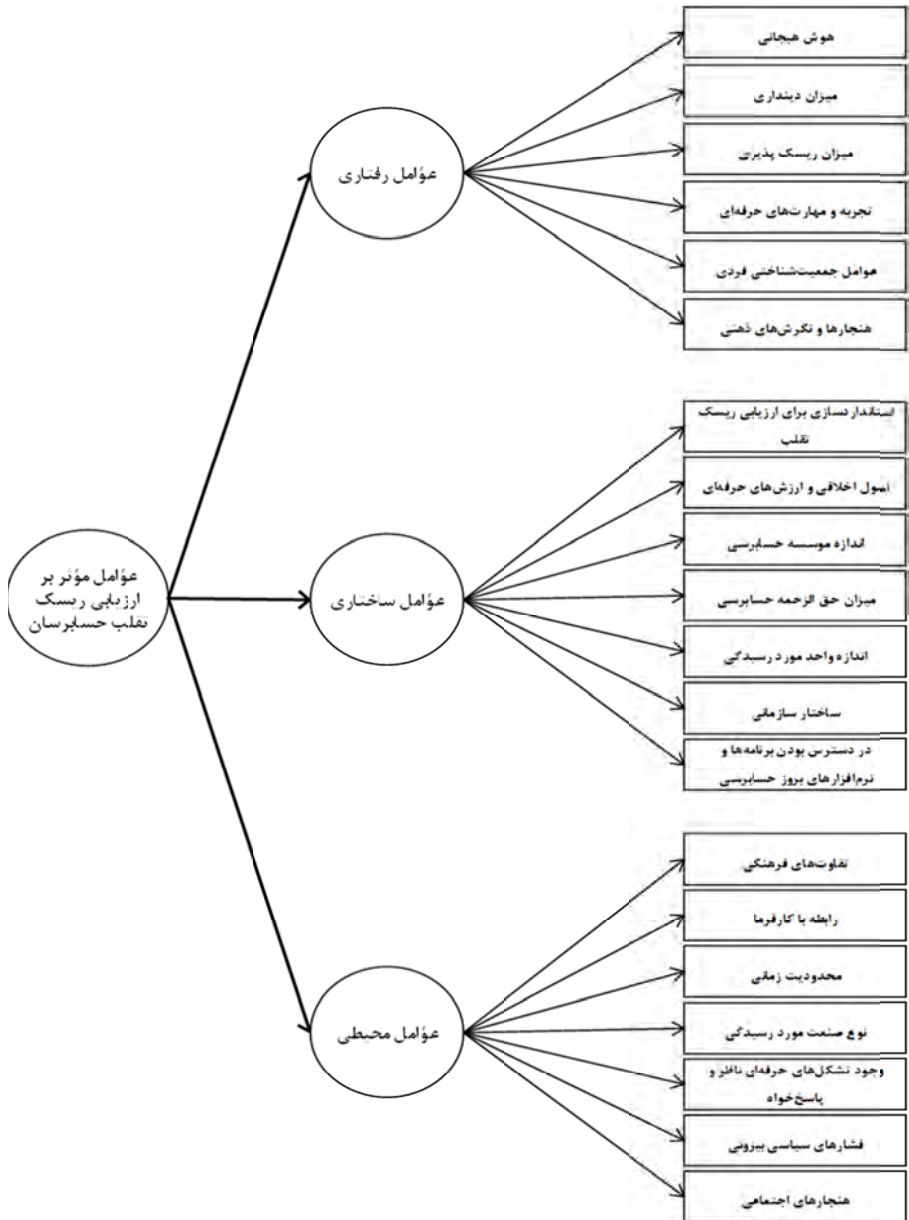
بر اساس یافته‌های حاصل در جدول (۶) در رابطه با فرضیه‌های پژوهش، می‌توان بیان کرد که هریک از سه عامل ارائه شده در مدل بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان تأثیر معناداری داشته‌اند. در این بین، عامل محیطی (با ضریب رگرسیونی ۰/۷۰۱) بیشترین و عامل رفتاری (با ضریب رگرسیونی ۰/۲۸۱) کمترین تأثیر را در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان داشته‌اند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان در

طی مطالعه‌ای آمیخته انجام شده است. با توجه به اینکه برای بار نخست این پژوهش در پی شناسایی عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان بوده است از روش اکتشافی با رویکرد تحلیل مضمون استفاده گردید. براین اساس ضمن مصاحبه با خبرگان، در ادامه به تحلیل داده‌های کیفی برای احصا عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته شد و نتایج داده‌های میدانی با ادبیات و پیشینه‌های نظری موجود یکپارچه گردید و تحلیل مضمون بر روی داده‌ها انجام شد. نتایج بخش کیفی پژوهش با رویکرد تحلیل مضمون منتج به شناسایی عوامل مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان گردید که از سه عامل رفتاری، ساختاری و محیطی تشکیل یافته است که این سه عامل اصلی نیز ۲۰٪ زیر ارزش را شامل می‌شوند (شکل ۷). درعین حال در بخش کمی تلاش شد با توزیع پرسش‌نامه و استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی به اعتبارسنجی و آزمون مدل‌های اندازه‌گیری پرداخته شود. نتایج این بخش حاکی از آن است که با توجه به بارهای عاملی احصا شده در این آزمون، هر سه مدل اندازه‌گیری به‌خوبی از متغیرهای مکنون خود پشتیبانی می‌نمایند. همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش در بخش معادلات ساختاری نشان داد که هر یک از سه عامل رفتاری، ساختاری و محیطی بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان تأثیر مثبت معناداری داشته‌اند.



شکل (۷) الگوی ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان

یافته‌های پژوهش نشان داد، یکی از عوامل اصلی مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان، عوامل رفتاری (محتوایی) است. از جمله عوامل رفتاری تأثیرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب حسابرسان شامل؛ هوش هیجانی، میزان دینداری، میزان ریسک‌پذیری، تجربه و مهارت‌های حرفه‌ای، عوامل جمعیت‌شناختی فردی (سن، تحصیلات، قومیت، جنسیت)، هنجارها و نگرش‌های ذهنی می‌باشند که اثر معناداری بر متغیر ملاک داشته‌اند. یافته‌های این تحقیق با نتایج پژوهش‌های نظامی، پورحیدری و پاکدامن (۱۳۹۹)، دریایی، نیکومرام و خان محمدی (۱۳۹۹)، شفعتی، ولیان و عبدلی (۱۳۹۹)، هوگیانتو و سباستین (۲۰۱۹)، یانگ و همکاران (۲۰۱۸)، پاساریو و همکاران (۲۰۱۸)، آمیر و همکاران (۲۰۱۸)، پانجی کوسوما و سوکایرمن (۲۰۱۷)، باتجارجی و مورنو (۲۰۱۳)، صفری و موسوی کاشی (۱۳۹۷)، صالحی و همکاران (۱۳۹۷)، مشایخی و اسکندری (۱۳۹۶)، مرادی و افشار ایمانی (۱۳۹۶) و صالحی (۱۳۹۵) تا حدودی سازگاری دارد. جمع‌بندی از نتایج پژوهش‌های پیشین با یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در برخی از عوامل رفتاری مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب، مانند هوش هیجانی، احساسات و روحیه، اثربخشی فردی، هوش معنوی، قدرت تحلیل، سازگاری بین یافته‌ها وجود دارد. با این حال در این تحقیق تعدادی از عوامل رفتاری مانند، میزان دینداری، میزان ریسک‌پذیری، عوامل جمعیت‌شناختی فردی (سن، تحصیلات، قومیت، جنسیت)، هنجارها و نگرش‌های ذهنی متمایز از تحقیقات قبلی شناسایی گردیده‌اید که علاوه بر مشخص نمودن نوآوری این تحقیق در قیاس با سایر پژوهش‌ها، جامعیت آن را نیز روشن می‌سازد.

همچنین یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد عوامل ساختاری نیز بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان مؤثر می‌باشند که از جمله عوامل ساختاری شناسایی شده در این پژوهش می‌توان به، استانداردسازی برای ارزیابی ریسک تقلب، اصول اخلاقی و ارزش‌های حرفه‌ای، اندازه مؤسسه حسابرسی، میزان حق‌الزحمه حسابرسی، اندازه واحد مورد رسیدگی، ساختار سازمانی، و در دسترس بودن برنامه‌ها و نرم‌افزارهای بروز حسابرسی اشاره نمود. یافته‌های این بخش نیز تا حدودی با نتایج پژوهش‌های هوگیانتو و سباستین (۲۰۱۹) و محمدرضایی و یعقوب‌نژاد (۱۳۹۶) سازگاری دارد. جمع‌بندی از نتایج پژوهش‌های پیشین با یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در برخی از عوامل ساختاری مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب، مانند اندازه مؤسسه حسابرسی، فشار حق‌الزحمه و استانداردهای عمومی و اصول حسابداری، سازگاری بین یافته‌ها وجود دارد. با این حال در این تحقیق تعدادی از عوامل ساختاری مانند، اصول اخلاقی و ارزش‌های حرفه‌ای، اندازه واحد مورد رسیدگی، ساختار سازمانی، و در دسترس بودن برنامه‌ها و نرم‌افزارهای بروز حسابرسی متمایز از تحقیقات قبلی شناسایی گردیده‌اید که علاوه بر مشخص نمودن نوآوری این تحقیق در قیاس با سایر پژوهش‌ها، جامعیت آن را نیز روشن می‌سازد.

عوامل زمینه‌ای (محیطی) نیز یکی دیگر از عوامل اصلی تأثیرگذار بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان می‌باشند که شامل هفت عامل؛ تفاوت‌های فرهنگی، رابطه با کارفرما، محدودیت

زمانی، نوع صنعت مورد رسیدگی، وجود تشکل‌های حرفه‌ای ناظر و پاسخ‌خواه، فشارهای سیاسی بیرونی، و هنجارهای اجتماعی می‌گردند. یافته‌های این بخش نیز با مطالعات انجام شده توسط بیک و هوگیمیس‌ترا (۲۰۱۸) سازگاری دارد. جمع‌بندی از نتایج پژوهش‌های پیشین با یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در برخی از عوامل محیطی مؤثر در ارزیابی ریسک تقلب، مانند استعاره‌سازی ذهنی احصاء شده از جامعه، تفاوت‌های فرهنگی حسابرسان و فرهنگ ملی، سازگاری بین یافته‌ها وجود دارد. با این حال در این تحقیق تعدادی از عوامل محیطی مانند رابطه با کارفرما، محدودیت زمانی، نوع صنعت مورد رسیدگی، وجود تشکل‌های حرفه‌ای ناظر و پاسخ‌خواه، فشارهای سیاسی بیرونی، متمایز از تحقیقات قبلی شناسایی گردیده‌اند که علاوه بر مشخص نمودن نوآوری این تحقیق در قیاس با سایر پژوهش‌ها، جامعیت آن را نیز روشن می‌سازد.

۵-۲- پیشنهادات

باتوجه به عوامل شناسایی شده و تأیید اثر آنان بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان، در ادامه پیشنهادهایی به شرح زیر داده شده است:

۱- بر مبنای یافته‌های بخش کیفی و همچنین تأیید فرضیه اول پژوهش، عوامل رفتاری یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان می‌باشند. در این راستا پیشنهاد می‌شود در راستای افزایش مؤلفه‌های هوش هیجانی حسابرسان، نسبت به برگزاری کارگاه‌های مرتبط در این حوزه اقدام شود. همچنین تقویت باورهای دینی و اصول اعتقادی و پایبند بودن به معاد و آخرت، و دوری از مادی‌گرایی صرف می‌تواند در نگرش حسابرسان برای ارزیابی فرایند ریسک تقلب مؤثر باشد. در این راستا ضروری است باورهای یاد شده به‌عنوان مبانی ارزشی در بین حسابرسان ترویج شود. از سوی دیگر لازم است موانع موجود در مسیر ریسک‌پذیری حسابرسان برطرف گردد. همچنین لازم است نسبت به ارتقای سطح مهارت‌های حرفه‌ای حسابرسان از طریق آموزش‌های ضمن خدمت، کارگاه‌های آموزشی و ... اقدام لازم صورت گیرد. در نهایت لازم است هنجارها و نگرش‌های ذهنی مثبت اعم از با وجدان بودن، ایجاد نگرش منفی نسبت به تقلب و ... در اذهان حسابرسان نهادینه شود.

۲- بر مبنای یافته‌های بخش کیفی و همچنین تأیید فرضیه دوم پژوهش، عوامل ساختاری یکی دیگر از متغیرهای اصلی تأثیرگذار در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان می‌باشند. در این راستا پیشنهاد می‌شود نسبت به استانداردسازی اصول حسابرسی در سازمان پرداخته شود. همچنین ضروری است که اخلاق کسب‌وکار و مبانی ارزشی در مؤسسه حسابرسی در قالب بیانیه ارزشی مؤسسه تدوین گردد و با مکانیزم‌های اجرایی، ضمانت لازم برای تبعیت حسابرسان از آنان ایجاد شود. درعین‌حال، مؤسسات حسابرسی باید با مشخص نمودن سطوح کیفیت حسابرسان، میزان حق‌الزحمه هر حسابرس را مشخص نمایند.

۳- بر مبنای یافته‌های بخش کیفی و همچنین تأیید فرضیه سوم پژوهش، عوامل محیطی

یکی دیگر از متغیرهای اصلی تأثیرگذار در ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان می‌باشند. در این راستا پیشنهاد می‌شود به تفاوت‌های فرهنگی بین حسابرسان در کلیه مراحل گزینش و استخدام، آموزش و توسعه، ارزیابی عملکرد و نظام جبران خدمات و ... توجه ویژه شود. همچنین ضروری است که حسابرس خود را عاری از هرگونه رابطه غیرکاری با مدیران عامل شرکت‌ها و یا کارفرمایان نماید و با حفظ استقلال خود و دوری از هرگونه وابستگی (مالی یا غیرمالی) به فرایند ارزیابی ریسک تقلب در آن سازمان بپردازد. از سوی دیگر، توصیه می‌شود که مدت‌زمان کافی در اختیار حسابرس قرار داده شده و آن را تحت تأثیر فشار زمانی و ... قرار ندهیم تا بتواند در زمان لازم به ارزیابی دقیق ریسک تقلب بپردازد. همچنین وجود تشکلهای حرفه‌ای ناظر و پاسخ‌خواه باعث می‌گردد که هم عملکرد مؤسسات حسابرسی و هم عملکرد فردی حسابرسان در ارزیابی ریسک تقلب زیر ذره‌بین باشد. از طرفی نیز ضروری است که فضای لازم برای انجام حسابرسی توسط حسابرسان فراهم شود تا آنان بتوانند با آسودگی خاطر بدون هیچ‌گونه فشار سیاسی بیرون به شناسایی تقلب‌ها و خطاهای احتمالی بپردازند.

در پایان بایستی اشاره نمود که اگرچه در این پژوهش تلاش شد تا با اقتباس از نظرات خبرگان، به شناسایی عوامل مؤثر بر ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان پرداخته شود، با این حال به نظر می‌رسد که بایستی با رویکردی جامع‌تر و مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیان، سایر عوامل تأثیرگذار در این الگو اعم از پیشایندها، بسترسازها، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان نیز استخراج و در نظر گرفته شوند؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی به ارائه الگوی جامع ارزیابی ریسک تقلب توسط حسابرسان با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیان پرداخته شود.

۶- فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. دریایی، مجید، نیکومرام، هاشم و خان محمدی، محمدحامد. (۱۳۹۹). تأثیر فرهنگ سازمانی بر گزارش خطا کاری سازمانی در حرفه حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۲۷-۵۰.
۲. شفعتی، مرتضی، ولیان، حسن و عبدلی، محمدرضا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر استعاره‌سازی ذهنی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان در ارزیابی ریسک تقلب و کیفیت حسابرسی. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۴): ۱۴۳-۱۶۳.
۳. صالحی، اله کرم، قیصری، طاهر و تامرادی، علی. (۱۳۹۷). تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد حسابرس با نقش واسط سرمایه فکری، نشریه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۴): ۶۰-۷۱.
۴. صالحی، تابنده. (۱۳۹۵). رابطه اخلاق حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۱(۳): ۷۷-۸۶.
۵. صفری، زهرا، موسوی کاشی، زهره. (۱۳۹۷). رابطه میان اثربخشی فردی حسابرس و خطا در ارزیابی ریسک تقلب. دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۶): ۲۵۵-۲۷۷.
۶. محمدرضایی، فخرالدین و یعقوب نژاد، احمد. (۱۳۹۶). اندازه مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی: نقد نظری، نقد روش پژوهش و ارائه پیشنهادات. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۴، ۳۱-۵۹.
۷. مرادی، مهدی و افشارایمانی، یگانه السادات. (۱۳۹۶). رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و عملکرد

- حسابرس. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۳۵، ۴۱-۶۴.
۸. مشایخی، بیتا و اسکندری، قربان. (۱۳۹۶). بررسی رابطه مؤلفه‌های هوش هیجانی و قضاوت حسابرس، فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۷ (۶۶): ۶۱-۸۰.
۹. نظامی، احمد. پورحیدری، امید و پاکدامن، مجید. (۱۳۹۹). بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی (وجدان و توافق‌پذیری)، احساسات-تفکر و ریسک‌پذیری بر قضاوت حسابرس با توجه به نقش میانجی خودکارآمدی. دانش حسابداری مالی، دوره ۷، ۱-۲۴.

ب- منابع خارجی:

1. Aamir, M., Rasid, S. Z. A., Baskaran, S., Ismail, F. B., & Manzoor, F. (2018). Can Emotional Intelligence Help in Reducing Auditors Engagement in Quality Threatening Behaviours?. *Asia Proceedings of Social Sciences*, 2(2), 70-73.
2. Bhattacharjee, S., & Moreno, K. K. (2013). The role of auditors' emotions and moods on audit judgment: A research summary with suggested practice implications. *Current Issues in Auditing*, 7(2), P1-P8.
3. Bik, O., & Hooghiemstra, R. (2017). The effect of national culture on auditor-in-charge involvement. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 36(1), 1-19.
4. Bik, O., & Hooghiemstra, R. (2018). Cultural differences in auditors' compliance with audit firm policy on fraud risk assessment procedures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 37(4), 25-48.
5. Hogianto, W., & Sebastian, H. (2019). The Effect of Implementing Professional and Intelligence Ethics Emotional on Decision Making for Auditors. Available at SSRN 3314994.
6. Mansour, A. Ahmi, A & Popoola, O. (2020). The Personality Factor of Conscientiousness on Skills Requirement and Fraud Risk Assessment Performance. *International Journal of Financial Research*. Vol. 11, No. 2; 2020.
7. Sanggar Pasaribu, Hasnida, and Dan Siti Zahreni. (2018). The influence of spiritual quotient and emotional quotient to internal audit judgment, *International Research Journal of Advanced Engineering and Science*, 3 (2): 218-221.
8. Yang, L., Brink, A. G., & Wier, B. (2018). The impact of emotional intelligence on auditor judgment. *International Journal of Auditing*, 22(1), 83-97.